

## درخواستی از بانوی اول، خانم محترم رولا غنی احمدزی!

قبل از همه باید به عرض برسانم که احترام شما به دلیل زن بودن تان، و از آنجا که زن مادر است و فداکار، موجودی با عاطفه، با احساس، مهربان و خوش قلب و تا جایی که حافظه انسان کار می کند، آرام، انسان دوست، خوشپندار، خوش قلب، مخالف جنگ و خشونت، رؤوف و یاری رسان، بر همه واجب است؛ و الا، یا در غیر این صورت، بین زن و مرد، به عنوان انسان، هیچ تفاوتی وجود ندارد، مگر در عمل!

من مقام بانوی اول افغانستان را به شما محترم تبریک می گویم؛ جدا از آنچه آقای احمدزی بود و هست و در گذشته دور و نزدیک کرده است، یا در آینده می کند؛ و اما درخواست من این است که:

افغانستان واقعاً یک کشور فقیر و عقب مانده است و انسان هائی که در این کشور زندگی می کنند، بویژه زنان این دیار، بی نهایت دردمند و محروم و بلاکشیده و مجروح هستند و به همین دلیل مستحق ترین موجودات جهان برای هر نوع کمک و یاری می باشند!

جای مسرت است که شما با استفاده از امکاناتی که برای تان میسر شده است می خواهید به یاری زنان افغان که عمیقاً نیازمند آن هستند بشتابید.

بانوی اول قبلی، با آن که زن تحصیل کرده ای بودند، با تأسف، بدون این که در کشور به گونه مصدر خدمتی شوند، خود را بیشتر از یک دهه، که وقت کمی هم نیست، بدون احساس مسئولیت و انجام کدام کاری در درون ارگ محصور ساختند و تنها به خوردن و نوشیدن و پوشیدن و دیدن فلم های هندی با همگان "بی غم باش" خویش و بچه های نازدانه و دردانه شان مصروف ساختند. خوب! انسان ها در اخلاق و تربیت و احساس و گفتار و رفتار و پندار و ذهنیت و شخصیت متفاوتند! همه یکسان نیستند! یکی همه لذت های جهان را در اجرای درست وظیفه و خدمت به هم نوع خود می داند و دیگری، بالاترین و بی پایان ترین لذایذ دنیا را در تن پروری و توجه به خود و فرزند و قوم و خویش و اقارب خویش! شاید در این هم، طوری که دین باورانی مانند شما بانوی گرامی باور دارند، حکمت های الهی نهفته باشد که برای کسانی مانند من فهمیدن آن سخت است! یکی از حکمت ها احتمالاً این خواهد بود که اگر اینطور نمی بود، چگونه می توانستیم تفاوتی را بین انسان های خوب و بد و بین انسان های متعهد به انسانیت و اخلاق و انسان های غیرمتعهد به انسانیت و اخلاق متوجه شویم و بر طبق آن خویش را ارج بگذاریم و برای بدش از خدا "طلب نیکی" کنیم - هرچند از یک جهت، اگر دیده شود، کاری که بانوی اول پیشین کردند به مراتب از کار نمایشی که بسیاری از انسان های "غلط"، وقت خود را صرف آن می کنند و بیهوده مردمان نیازمند را به چیزی خوش و امیدوار می سازند، بسیار بهتر است! از اخلاق و کرکتر و سابقه این انسان ها حداقل آدم این را می فهمد که او انسانی دو رو و فریب کاری نیست؛ و بیهوده دل به او نمی بندد و خود را خالی ذهن نمی سازد!

چنین اخلاقی، وقتی با اخلاق یک انسان دو روی و دروغگو و متقلب مقایسه شود، در حین بدی تا حدودی قابل ستایش است!

خواهش من بنابراین از شما محترم همین است که زنان نگون بختی را که به وعده های شما دل می بندند، از خویش ناامید نسازید! به این ها تا حدی ممکن یاری برسانید. این ها واقعاً درد دارند و محروم و شکسته دل اند. قرن ها ستم کشیده اند؛ هم از دست پدر، هم از دست برادر و هم از دست شوهر و خسر و فرهنگ و سنت و محیط و...! طی سده ها زیر ستم مضاعف قرار داشته اند و از کوچک ترین نعمات و خوشی های زندگی و حداقل آزادی ها، آنچه در سائر کشورهای جهان جزئی از لوازم عادی زندگی و حق طبیعی زنان پنداشته می شود، بی بهره بوده اند. با این ها، مانند انسانانی که سیاست و تعصب بی پایان به دین هنوز اخلاق و ضمیر شان را فاسد نکرده است، کمک کنید؛ بدون طمع، توقع و یا انتظار!!

از توقع و طمع و انتظار سخن بخاطری بمیان آمد که من زمانی ترجمه مصاحبه شما را که با "فارن بالیسی" نموده بودید، در "سایت دوستی افغانستان و امریکا" خوانده بودم که جناب تان در آنجا فرموده بودید:

"... به نظر من بانوان افغانستان تحت فشار به دین اسلام گرویده اند چون راه دومی نداشته اند. اگر آئین مسیحیت به خوبی برای آن ها تشریح شود، شک ندارم بیش از نیمی از آنان به این دین خواهند گروید..."\*

و افزوده بودید:

"اگر آئین مسیحیت به خوبی برای آنان تشریح شود، شک ندارم بیش از نیمی از آنان به این دین خواهند گروید. من در طول ده سال گذشته از فعالیت برخی گروه های تبشیری مسیحیت در مناطق مرکزی، شمال و کابل به صورت غیرمستقیم حمایت هایی داشته ام. در صورت حضور در کاخ ریاست جمهوری به طور حتم این کار را گسترش خواهم داد تا مردم افغانستان بدانند مسیحیت آن چیزی نیست که ملاها در مغز آنان وارد کرده اند." این عبارات انسان را به این فکر می اندازد که نکند خدای ناخواسته پشت سخنان زیبا و برنامه های انسانی و مهربانانه امروزی تان - یاری رسانیدن به زنان افغان - همان قصد مسیحی ساختن این ها نهفته باشد؟!\*

من شحصاً چندان پایند دین نیستم، و هیچ دینی برای من از دین دیگری برتر نیست! همه ادیان مسئله دارند و قابل بحث اند. اگر کسی خواسته باشد یکی را ترک و دیگری را انتخاب کند، یا کلاً از دین دست بکشد، به نظر من کار شخصی خودش است و این شخص باید حق داشته باشد به آنچه خواسته است عمل کند. در خصوص این که به اقلیت های قومی - مذهبی - دینی حق برابر در تمام عرصه ها داده شود، من قبلاً، همین یکی - دو هفته پیش، نظر خود را نوشته ام.

اما چنین امری - کسی را مجبور به ترک دین یا قبول دین دیگری کردن - با استفاده از مقام و با استفاده از پول و با استفاده از مجبوریت های مردم چندان شریفانه نیست. شما می دانید که انسانی گرسنه که می گویند ایمان ندارد، دست به هرکاری می زند! و ایمانی را که شما گویا قصد خرید آن را به قوت پول و مقام دارید، ایمان نیست؛ زیرا این ایمان در گرسنگی زائل و نابود گردیده و وجود خارجی ندارد. و چیزی که وجود نداشته باشد، چیزی که موهوم است، نه قابل خرید است و نه قابل فروش؛ از جانبی ایمانی که یکبار در

برابر پول به فروش برسد، می تواند هزار بار به فروش برسد. پس چنین ایمانی را نمی توان ایمان نامید!! چنین ایمانی متاعی است بسیار بی ارزش که تنها انسان هائی که به خرید و فروش متاع بی ارزش مصروف اند با خرید و فروش آن شاد می گردند!

**و اگر فرض شود که جناب شما با این معامله واقعاً ایمان این ها را بخرید، باید بدانید که کاری بسیار غیرانسانی و ناجوانمردانه ای را مرتکب شده اید؛ زیرا سواستفاده از مجبوریت انسان ها کاری است بی نهایت پست و کننده چنین کار هیچ حق ندارد از مهر و مهرورزی، از انسان و انسانیت و از نیکی و بدی و اخلاق و امثال این مقوله ها حرفی به زبان بیاورد!**

من مصاحبه شما را، اگر یاد تان رفته باشد، که فکر نمی کنم، چون زیاد وقتی از آن نمی گذرد، به دنبال این بند تقدیم شما می کنم و امیدوارم که وعده های امروزی تان با پلان های دیروزی تان ارتباطی نداشته باشد. و با این کارتتان، اگر قصد تغییر دین مردم را داشته باشید، حداقل آن عده از زنانی را که امروز از شما قهرمان ساخته اند، ناامید نسازید!!

\*



مصاحبه همسر محترم داکتر اشرف غنی با فارن پالیسی

جمعه 1 حمل، 1393



خانم رولا عبدالغنی همسر محترم اشرف غنی (کاندیدای ریاست جمهوری افغانستان) در مصاحبه با فارن پالیسی به بیان دیدگاه های خود در باره آینده سیاسی کشور افغانستان و

برنامه های همسرش برای ترقی این کشور پرداخت. وی در پاسخ به سؤال اول خبرنگار در باره رؤس برنامه های کاری همسر خود اظهار داشت:

« دکتر اشرف غنی دیدگاه بسیار بازی در مسائل کشورش داشته و قائل به همکاری با تمام کشورهای جهان در بازسازی سیاسی و اقتصادی افغانستان می باشد. ایشان معتقد است قطع رابطه با هیچ کشوری در دنیا معنا نداشته و تنها تنظیم رابطه با آنان از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. دکتر اشرف غنی معتقد است حتی دو دولت فلسطین و اسرائیل باید به طور هم زمان در کابل نمایندگی داشته باشند و هیچ مانعی به لحاظ سیاسی در این مسیر وجود ندارد.»

خانم عبدالغنی در ادامه گفت: « اگر چه در طول سال ها زندگی مشترک با همسرم نتوانسته ام در افغانستان زندگی کنم ولی به اخلاق افغان ها کاملاً آشنا هستم و به راحتی می توانم در نقش بانوی اول این کشور با مردم این کشور به خصوص خانم ها ارتباط برقرار سازم.»

رولا عبدالغنی در پاسخ به این سؤال که آیا مسیحی بودن شما مشکلی برای ایفای نقش همسر ریاست جمهوری کشوری با ترکیب بیش از 99 درصد مسلمان ایجاد نخواهد کرد گفت: « مسیحی بودن من جرم نیست اگر چه من از طرف مادری به نوعی یهودی محسوب می شوم. به اعتقاد من بانوان افغانستان تحت فشار به دین اسلام گرویده اند چون راه دومی نداشته اند. اگر آیین مسیحیت به خوبی برای آنان تشریح شود، شک ندارم بیش از نیمی از آنان به این دین خواهند گروید. من در طول ده سال گذشته از فعالیت برخی گروه های تبشیری مسیحیت در مناطق مرکزی، شمال و کابل به صورت غیرمستقیم حمایت هایی داشته ام. در صورت حضور در کاخ ریاست جمهوری به طور حتم این کار را گسترش خواهم داد تا مردم افغانستان بدانند مسیحیت آن چیزی نیست که ملاها در مغز آنان وارد کرده اند. آزادی زنان به قدری شیرینی خواهد داشت که به خودی خود، موضوع مسیحی بودن من حل خواهد شد.»